

به مناسبت بزرگداشت از «۸ مارچ» روز بین المللی زن

منظور تجلیل از «هشت مارچ» روز بین المللی زن، گرامیداشت از مبارزات انقلابی و مترقی زنان زحمتکش و تحت ستم در سراسر جهان علیه ارتجاع و امپریالیسم است. هشت مارچ به لحاظ تاریخی با مبارزات حق طلبانه زنان زحمتکش در امریکای علییه استعمار و ستم ظالمانه نظام حاکم سرمایه داری رقم خورده است. «بتاریخ هشت مارچ سال ۱۸۷۵ میلادی زنان کارگر کارخانجات نساجی در شهر نیویورک در جهت بهبود شرایط کار و اعتراض به پابند بودن سطح دستمزدهای شان علیه کارفرمایان تظاهرات کردند. این حرکت اعتراضی زنان کارگر به درگیری با پولیس دولت امریکا انجامید و پولیس به طرز وحشیانه ای به تظاهرکنندگان حمله کرده و آن هاراسرکوب کرد. تعدادی از زنان تظاهرکننده توسط پولیس مجروح شده و تعدادی هم دستگیر و زندانی شدند. بار دیگر بتاریخ ۸ مارچ سال ۱۹۰۷ میلادی زنان کارگر نساجی امریکایا درخواست تقلیل ساعات کار روزانه دست به تظاهرات زدند که این بار نیز تظاهرات آن هاتوسط پولیس دولت امریکایا سرکوب گردید و تعداد زیادی از زنان کارگر توسط پولیس دستگیر و زندانی شدند. در این تظاهرات تعداد زیادی از مردان کارگرو زنانی از طبقات و اقشار مختلف جامعه امریکانیز شرکت داشتند. در سال ۱۹۰۸ میلادی این روز بعنوان نخستین روز ملی زنان در ایالات متحده امریکا شناخته شد که همه ساله از آن تجلیل می نمایند. بالأخره سازمان «ملل متحد» در سال ۱۹۷۵ میلادی «۸ مارچ» را منحیث «روز جهانی زن» برسمیت شناخت. بعد از آن دولتها نیز همه ساله به منظور اغوای زنان تحت ستم و استثمار در کشورهای شان این روز را «تجلیل» می نمایند. بعبارت دیگر تجلیل از «۸ مارچ» به دو منظور متفاوت و یا دونگرش طبقاتی تجلیل بعمل می آید. یکی توسط طبقات ارتجاعی حاکم (دولتها) که در آن اکثرآ زنان طبقات حاکم و گروه های ارتجاعی خادم ارتجاع و امپریالیسم با برپای محافل و ایراد بیانییه های فریبنده این روز را «تجلیل» می کنند. در این میان سازمان ها و احزاب رویزیونیستی رنگارنگ در کشورهای مختلف جهان نیز در این روز با بیانییه ها و شعارهای بظاهر «مترقی» درباره موقعیت زنان در جامعه و حقوق آن ها، زنان زحمتکش را اغوا می کنند. در جهت دیگری این روز از طرف زنان زحمتکش و نیروهای انقلابی و مترقی اعم از زنان و مردان در کشورهای مختلف جهان به منظور گرامیداشت از خاطره ای مبارزات حق طلبانه زنان کارگر و زحمتکش جهان طی یک و نیم قرن اخیر و آرزو جگراری از مبارزات کنونی آن ها علیه ارتجاع و امپریالیسم تجلیل می گردد.

در طول تاریخ در جوامع طبقاتی، زنان علاوه بر ستم طبقاتی، ستم ملی و ستمی و ستم ملی استعماری و امپریالیستی؛ از ستم مردسالارانه، ستم جنسیتی و ستم دین و مذهب رنج و عذاب کشیده اند. ادیان «آسمانی» و زمینی نسبت به زنان نگرشی تبعیض آمیز، ناعادلانه و غیر انسانی دارند. طبقات حاکم مردسالار و کلا مردان خاصآ در کشورهای عقب نگهداشته شده «جهان سوم» با استناد به احکام دین و مذهب و تمسک به عنعنیه ها و خرافات رایج در این جوامع هر نوع ستم و بیعدالتی علیه زنان را «توجیه» می کنند. در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم (علی الخصوص در کشورهای اسلامی) که قوانین آن هابرنیاد احکام شریعت اسلام تدوین می گردد؛ زنان به لحاظ اجتماعی، حقوقی، انسانی، جنسیتی و شخصیتی مورد شدیدترین ستمها و بی عدالتی، تبعیض، تحقیر و توهین قرار گرفته و حقوق و حیثیت آن هاتا حد نصف یک مرد تقلیل یافته است. دین اسلام حکم می کند که: «در خلقت بشر مرد اصل و زن فرع است» و اکثریت قاطع از ملاحا زن را «ناقص العقل» می دانند و حتی عده ای بنام «روشنفکر دینی» از کشورهای مختلف اسلامی با ارایه ای استدلالهای واهی و پوچ، مواضع و احکام شریعت اسلام را درباره زنان «طبیعی و عادلانه» خوانده و بنحوی آن را «دفاع» از حقوق زنان توجیه می کنند. چنانچه اکنون امارت اسلامی طالبان مدعی است که تحت نظام و حکومت امارت اسلامی «حقوق زنان تامین است». در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم خاصآ در کشورهای اسلامی دولتها در جلوگیری از اعتراضات و مبارزات حق طلبانه زنان با تمسک به احکام زن ستیزانه دین و مذهب و اتکابه موجودیت روحیه و ذهنیت مرد سالارانه در این جوامع به سهولت می توانند اعتراضات و مبارزات حق طلبانه زنان را وحشیانه سرکوب کنند. طی یک و نیم سال اخیر تحت حاکمیت جاهلانه و قرون وسطایی (امارت اسلامی طالبان) در افغانستان که زنان را از همه حقوق اجتماعی و انسانی آن ها محروم کرده اند، هرگاه که زنان در برابر این مظالم و بیعدالتی و بی حقوقی اعتراض کرده اند؛ وحشیانه سرکوب شده و تعدادی رابه زندان انداخته و تحت شکنجه های سبعانه و غیر انسانی قرار دادند. فقط «بجرم» درخواست حق کار و تحصیل و رعایت حقوق انسانی شان. همچنین طی چهل سال اخیر رژیم جمهوری اسلامی ایران اعتراضات و تظاهرات حق طلبانه زنان ایران را بنام احکام شریعت اسلام و با اتکا به موجودیت ذهنیت مردسالارانه در این کشور به سبعانه ترین وجهی سرکوب خونین کرده و طی شش ماه اخیر بیش از ۵۰۰ تن را بقتل رسانده و صدها تن آنان رابه زندان انداخته و تحت شکنجه های غیر انسانی قرار داده و چند ده هزار تن از جمله

متعلمین مکاتب و محصلین دانشگاه هارا که در حمایت از خواست‌ها و مطالبات برحق زنان دست به اعتراضات و تظاهرات هازدند به زندان انداخته است.

در جهت دیگر در کشورهای تحت سلطه گروه‌های سیاسی ارتجاعی؛ گروه‌های «فمینیستی» و گروه‌های دیگر بنام «جامعه مدنی» که خود را «مدافع» حقوق زنان معرفی می‌نمایند؛ سعی می‌کنند تا با شیوه‌ها و اشکال مختلف زنان را تحمیق و اغفال کنند. همچنین گروه‌های رویزیونیستی زنان را که نیمی از پیکره جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند و به لحاظ موقعیت اجتماعی نامناسب و شدت ستم و استثمار که بر آن‌ها اعمال می‌شود از پتانسیل مبارزاتی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند؛ از دستیابی به آگاهی سیاسی انقلابی پرولتری و گزینش راه مبارزه انقلابی و مترقی (که یگانه راه نجات واقعی آن‌ها می‌باشد) به گمراهی می‌کشانند. در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین؛ طبقات ارتجاعی به کمک امپریالیسم جهانی با در نظر داشت موقعیت و عمق و شدت ستم کشی زنان و هم با در نظر داشت نیروی مبارزاتی و خشم مترکم آن‌ها، به طرق مختلف سعی می‌کنند تا از ارتقای سطح آگاهی سیاسی انقلابی زنان جلوگیری کرده و آن‌ها را نسبت به حق‌خواهی و مطالبه‌گری و با طرح خواسته‌های سیاسی اساسی آن‌ها گمراه ساخته و یا سرکوب کنند. در کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی نیز طرق و شیوه‌های متفاوتی درباره گمراه کردن زنان زحمتکش و دستیابی آن‌ها به آگاهی سیاسی انقلابی بکار گرفته می‌شود.

زنان افغانستان مانند همه زنان زحمتکش و تحت ستم چندلایه در کشورهای مختلف جهان طی قرن‌ها وضعیت اسفبار و المانکی داشته و دارند. طی چهارونیم دهه اخیر بعد از وقوع کودتای ننگین و فاجعه بار «۷ ثور» سال ۱۳۵۷ خورشیدی و بقدرت رسیدن باندهای رویزیونیستی خاین و جنایتکار «خلق» پرچی «سازای» و لشکرکشی سوسیال امپریالیسم «شوروی» بتاريخ «۶ جدی» سال ۱۳۵۸ خورشیدی و اشغال نظامی و به مستعمره کشیدن افغانستان و به تعقیب آن دوران حکومت اسلامی باندهای جنایتکار و خاین «جهادی» و ملیشه‌ای و امارت اسلامی طالبی و لشکرکشی امپریالیست‌های امریکایی و «ناتو» بتاريخ «۷ اکتوبر» سال ۲۰۰۱ میلادی و دولت دست‌نشانده به رهبری حامد کرزی و اشرف غنی و عبدالله این مزدوران استعمار و امپریالیسم شنیع‌ترین جنایات و اجحافات و انواع ستم و مظالم را بر خلق افغانستان خاصاً زنان کشور اعمال کرده‌اند. طی این مدت حدود ۶ میلیون تن از خلق افغانستان مجبور به فرار از کشور شده و در کشورهای پاکستان و ایران زنان و اطفال در شرایط نهایت اندوه‌باری بسر برده و تحت ستم و مظالم دولتهای کشورهای میزبان و گروه‌های ارتجاعی اسلامی افغانستان مستقر در این کشورها قرار داشته‌اند. زنان افغانستان در شرایط مهاجرت در فقر و گرسنگی جانکاه، مصابیت به امراض مهلک جسمی و روانی، بیسواد و محروم از تعلیم و انواع مصایب و اندوه از دست دادن عزیزان شان در جهات جنگ مقاومت رنج و عذاب زیادی کشیده‌اند. در پاکستان در کمپهای مهاجرین افغانستان صدها مورد تجاوز جنسی به زنان توسط افرادی از گروه‌های «جهادی» از کشورهای دیگر (برادران گروه‌های ارتجاعی اسلامی) صورت گرفته که توسط همین گروه‌های جهادی افغانستان زمینه‌سازی شده است. اینها بیشرمانه و خاینانه مدعی بوده و هستند که طی دهه‌های اخیر از وطن و ناموس وطن «دفاع» کرده‌اند. در حالیکه صدها مورد تجاوز ناموسی توسط این گروه‌های جنایتکار «جهادی» طی چهارونیم دهه اخیر انجام شده و وطن را به قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی فروخته‌اند. در جنگ‌های جنایتکارانه بین گروه‌های متشکله دولت اسلامی برهبری (برهان الدین ربانی - احمدشاه مسعود) که بیش از (۶۰ هزار تن) از ساکنان شهر کابل را بقتل رساندند، بیشترین آن‌ها زنان و کودکان بودند. و نیز صدها مورد تجاوز و اختطاف زنان توسط این باندهای جنایتکار گزارش شده است. و در تمام دوران چهارونیم دهه اخیر بیشترین قربانی این همه جنایات و اجحافت در افغانستان گروه‌های جنایتکار و دولتهای مزدور و قدرتهای امپریالیستی، زنان و کودکان افغانستان بوده‌اند.

باتهاجم نظامی امپریالیست‌های امریکایی و «ناتو» بتاريخ (۷ اکتوبر) سال ۲۰۰۱ میلادی به افغانستان و به مستعمره کشیدن کشور با ادعای «آزادی زنان» از سر رژیم قرون وسطایی طالبان و برقراری «دموکراسی» (بخوان کلیتوکراسی - حکومت دزدان و جنایتکاران) و «بازسازی افغانستان» (بخوان فربه کردن رهنان بومی و امریکایی و اروپایی) و انمود می‌کردند. در حالیکه بیست سال اشغال و استعمار در جهت تحقق استراتژی‌ها و اهداف خودشان عمل کرده و گروه‌های خاین و جنایتکار و رهن و فادار بخودشان را ثروتمند ساخته‌اند. طی این مدت بیش از ۱۰۰ هزار تن خاصاً زنان و کودکان توسط ارتشهای اشغال‌گروارتنش دولت مزدور و گروه‌های ارتجاعی جنایتکار طالبان و گل‌الدین بقتل رسیده و هزاران تن را معلول و معیوب کرده‌اند. هزاران مورد تجاوز و اختطاف زنان توسط این همه گروه‌های جنایتکار صورت گرفته است. طی این بیست سال جنایات زیادی علیه زنان صورت گرفته و شیوع «ایدز» و اعتیاد به مواد مخدر خاصاً در بین زنان به شدت افزایش یافته؛ هزاران زن مجبور به گدایی شده و صدها تن به منجلا ب تن فروشی کشیده شده‌اند. از دواجهای اجباری و به ازدواج در آوردن دختران کودک با مردان و میزان خودکشی زنان

از طریق خودسوزی هر سال بلند رفته است. عاملین اصلی این همه ستم و تعدی و مظالم و جنایات علیه مردم افغانستان خصوصاً زنان طی این چهارونیمه دهه همین گروه های جنایتکار (نمایندگان طبقات ارتجاعی فیودال وکمپرادور) و حامیان سوسیال امپریالیست و امپریالیست آنها بوده هستند. با تذکر مختصر از جنایات و احقافات گروه های ارتجاعی مزدور امپریالیسم و قدرتهای خارجی حامی آن ها علیه مردم بلاکشیده افغانستان خاصاً زنان ؛ فقط افراد و گروه های ارتجاعی خود فروخته هستند که مدعی اند: زنان افغانستان طی بیست سال اخیر به «آزادی و حقوق اجتماعی و سیاسی» شان رسیده اند. از این مزدوران فرومایه پرسیان می کنیم که کدام بخش از زنان افغانستان به این حقوق و آزادیها دستیافته اند؟! اگر منظور تعدادی از زنان مربوط به گروه های جنایتکار و خابین و وطن فروش و آدمکش «خلقی» پرچی «سازای» جهادی ملیشه ای و تعدادی از زنان تعلق طبقات ارتجاعی فیودال و کمپرادور و اشرافیت فیودالی وعده ای از زنان گروه های رویونیستی و یا تعدادی از زنان تحصیل کرده خادم استعمار و امپریالیسم و ارتجاع که به اتاقهای پارلمان و به چوکیهای وزارت و معینیت و ولایت و ریاست رسیده اند؛ باشد؛ همین «دموکراسی و آزادی» نیز از آن آنها بوده است. در حالیکه «دموکراسی و آزادی» تحت سلطه استعمار و امپریالیسم و حاکمیت جانی ترین و خابین ترین گروه های ارتجاعی مزدور استعمار و امپریالیسم طی بیست سال مشقت سرا و جهنمی برای همه ای مردم افغانستان از جمله زنان و اطفال بوده است. بعد از تاریخ ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ میلادی که امپریالیستهای اشغالگر امریکا و «ناتو» بنا بر اقتضای منافع و استراتژی ها و اهداف غارتگرانه آن ها در منطقه و جهان ؛ ظاهراً خاک افغانستان را ترک کرده اند و طی قراردادی که بنام «توافقنامه دوحه» معروف شده است ؛ قدرت سیاسی را از گروه های مزدور قبلی شان تحت رهبری اشرف غنی گرفته و به گروه طالبان سپردند تا تحت سلطه و قیمومیت دولت ارتجاعی پاکستان از منافع آن ها در افغانستان و منطقه پاسداری کنند. زیرا «امارت اسلامی طالبان» نسبت به هر گروه و نیروی ارتجاعی و مزدور دیگری بهتر می تواند گروه های ارتجاعی اسلامی از کشورهای مختلف جهان را در خاک افغانستان تنظیم و هدایت کند تا در موقع لازم در جهت تحقق اهداف غارتگرانه امپریالیستهای امریکایی و «ناتو» در کشورهای منطقه خاصاً کشورهای آسیای میانه و کشورهای دولت های رقیب آن ها سوسیال امپریالیسم چین و امپریالیسم فدراسیون روسیه بکار گرفته شوند. چنان که بارها تذکر داده ایم گروه های ارتجاعی اسلامی طالبان ؛ القاعده ؛ داعش و گروه های ارتجاعی اسلامی پاکستان و کشورهای آسیای میانه که اکنون در حمایت امارت اسلامی طالبان متمرکز شده اند ؛ همه این گروه ها طی سه دهه اخیر نقش مقدمت الجیش ارتشهای اشغالگر و غارتگر امپریالیستهای امریکایی و «ناتو» را در افغانستان و منطقه و مناطق دیگر جهان خاصاً در کشورهای اسلامی ایفا کرده اند و در آینده نیز چنین خواهد بود. بعد از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ میلادی بار دیگر نظام وحشت قرون وسطای طالبان بر مردم افغانستان مسلط ساخته شد. شبیح وحشت و ظلمت «امارت اسلامی طالبان» بیش از همه زنان افغانستان را متاثر ساخت و هدف سرکوب قرار گرفتند و در اولین اقدام زنان از کاردر ادارات دولتی (باستثنای بخش صحت و معارف) منع شدند و تحصیل بعد از صنف ۶ ابتدای برای دختران منع قرار داده شد. بیشتر رهبران نظام «امارت اسلامی طالبان» نظر دارند که زنان و تحصیل آن ها بزرگترین مشکل آن ها در جامعه خواهد بود ؛ از این رو در اولین اقدام تحصیل دختران را بعد از صنف ششم ابتدای منع قرار دادند. بعد از سپردن قدرت سیاسی به گروه طالبان و منع زنان از کاردر ادارات دولتی تعدادی از زنان علیه این اقدام طالبان اعتراض نموده و تظاهراتی براه انداختند که بار بار توسط افراد مسلح طالبان به شدت سرکوب شده اند. لیکن تعدادی از زنان مربوط به گروه های ارتجاعی در مصاحبه های شان با مطبوعات بیرون از افغانستان از قدرتهای امپریالیستی و مجامع بین المللی ساده لوحانه تقاضای حمایت کرده تا علیه این اقدام طالبان مداخله کنند. در حالیکه مسبب اوضاع کنونی در کشور و حتی طی چهارونیم دهه اخیر همین قدرتهای امپریالیستی و مجامع بین المللی از جمله « ملل متحد» بوده اند و درخواست این زنان نهایت گمراه کننده است.

بیش از نود درصد از زنان طبقات خلق زحمتکش در افغانستان درباره پیشینه تاریخی و مفهوم واقعی « ۸ مارچ» (روز بین المللی زن) آگاهی ندارند. تنها گروه ها و تشکلهای انقلابی و مترقی مردمی در داخل و خارج کشور هستند که به حمایت از منافع طبقات خلق کشور خاصاً زنان و به منظور پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه زنان زحمتکش افغانستان و جهان و دفاع از خواستها و مطالبات برحق آن ها این روز را تجلیل می کنند. دیگر همه طبقات و گروه های ارتجاعی از دید طبقاتی خود شان به این روز می نگرند. زنان طبقات حاکم ارتجاعی شیادانه جهت اغفال و اغوای زنان زحمتکش کشور محافل برپا می کنند و در وصف این روز درباره وضعیت زنان کشوریاه سراء و دروغ پراکنی می کنند. عده از مرتجعین در این باره غلوموده و این روز را «روز جشن زنان» افغانستان می خوانند. در حالیکه میلیون ها زن در افغانستان در منجلاب فقر و گرسنگی و انواع مصایب گرفتار بوده و از همه خواستها و حقوق انسانی شان محروم هستند و از انواع ستم و بیعدالتی تحت رژیم قرون وسطای طالبان رنج و عذاب می کشند؛ بهیچ صورت ممکن نیست که صحبتی از جشن زنان در میان باشد. همچنین احزاب سازمان ها و گروه های رویونیستی و اپورتونیستی با

بکارگیری مفاهیم آزادی و انقلاب خلقهای مظلوم و به رمق رسیده این سرزمین از جمله زنان را طی سالیان متمادی دچار توهم ساخته تانتوانند بدرستی دوستان و دشمنان شان را از هم تمیز داده و برای نجات خود از این ورطه دهشتناک (حاکمیت طبقات ارتجاعی فیودال و کمپرادور و سلطه امپریالیسم) راه مبارزه انقلابی رها بیخش را برگزینند. زنان و مردان افغانستان باید بیدار شوند و با کسب آگاهی سیاسی انقلابی و فرهنگ مترقی است که می توانند خود را از اسارت ایده ها و فرهنگ فیودال کمپرادوری و خرافه های مذهبی و عنعنه های مذموم قبیله ای نجات دهند. در غیر آن همواره توسط طبقات حاکم ارتجاعی و گروه های ارتجاعی نوکران ها و لفاظیهای گروه های رویزیونیستی و اپورتونیستی رنگارنگ اغوا خواهند شد. زیرا بدون آگاهی سیاسی انقلابی پرولتری و بدون مبارزه انقلابی تحت رهبری یک حزب انقلابی پرولتری واقعی، زنان و مردان طبقات خلق افغانستان نمی توانند خود را از سلطه حاکمیت طبقات ارتجاعی فیودال و کمپرادور در اوضاع کنونی «امارت اسلامی طالبان» و سلطه امپریالیسم و قیومیت دولت ارتجاعی پاکستان نجات دهند.

- ناپود باد سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع همدست و نوکران!

- سرنگون باد رژیم ارتجاعی قرون وسطایی «امارت اسلامی طالبان»!

- پیروز باد مبارزات انقلابی و مترقی خلق افغانستان و سایر خلقهای جهان!

۸ مارچ ۲۰۲۳ میلادی

(پولاد)